

داستان ربابه: معرفی موردی از جنون پس از زایمان

نوشته: دکتر محسن زماتی- پزشک و کارشناس ارشد مشاوره خانواده

آوریل 2013-ملبورن استرالیا

وقتی ربابه به ده ما آمد ۲۸ سال داشت. شوهر اولش او را طلاق داده بود و حشمت، همولایتی ۳۰ ساله ی من که خودش هم زن اولش را طلاق داده بود با او که اهل یکی از روستاهای اطراف بود ازدواج کرد. از همان اول، موج شایعات در مورد ربابه به راه افتاد. می گفتند چون با مردهای دیگر رابطه داشته، شوهر اولش طلاقش داده و اینکه رعایت حجاب نمی کند و اینکه عصبی و به قول مردم چل است. درشت اندام بود و تنومند و از همان شروع ازدواج دعواهایشان با حشمت شروع شد. دعوایی که ما فقط جیغ و داد و فحش دادن هایش را می شنیدیم ولی بعداً می گفتند که در این دعاها این حشمت است که کتک می خورد نه ربابه. برای ما پسرهای ده که او را از بیرون می دیدیم ربابه عجیب، ترسناک و شهوانی به نظر میامد. دم در خانه می ایستاد، به پسرها و مردها متک می گفت، آنها را به خانه دعوت می کرد، اما بسیاری از مواقع حرف های نا مفهوم و بی ربطی می زد که چیزی از آن نمی فهمیدیم. گاهی بهتش می زد و مدت ها به جایی خیره می شد. گاهی خنده های بی ربط می کرد و گاهی در حیرت ما پسرهایی که حتی موی خواهر و مادرمان را نمی دیدیم، قسمتی از بدن عریانش را نمایش می داد.

زمان گذشت و و ربابه باردار شد و اولین بچه اش را زایید. همه گفتند حالا دیگر مادر شده و رفتارش خوب می شود. ولی همه اشتباه می کردند. حال ربابه بدتر و بدتر می شد. پرخاشگری بیشتر، اضطراب، گریه و زاری و گاهی برعکس، قهقهه ی خنده و رقص و شادمانی های بی دلیل. درمان های معمول از قبیل جن گیری و رمالی و سرکتاب و زیارت انجام شد، اما افاقه نکرد.

بچه ی اول حدود ۲ ساله بود که ربابه دوباره حامله شد. در حین حاملگی دوم اقدام به خودکشی کرد. سمّ علف کش خورده بود، اما اطرافیانش متوجه شدند و او را به بیمارستان بردند. در بیمارستان پزشکان برایش دارو تجویز کرده بودند و توصیه ی اکید کرده بودند که دیگر باردار نشود. ولی مردم من اعتقادی به دارو نداشتند و گفتند مگر ربابه دیوانه است که دارو بخورد. بعد از زایمان دوم حالش خیلی بدتر شد، تا چند ماهی. ولی در تعجب همگان به تدریج بهتر شد و گفتند دعا ها و نذر و نیاز ها جواب داده است. ربابه و حشمت به مشهد رفتند و وقتی برگشتند ربابه برای سومین بار حامله شد. دوباره علائم برگشت اما این بار خیلی شدیدتر شده بود. اضطراب شدید، پرخاشگری، گریه مداوم و غذا نخوردن چیزهایی بود که ما از آن اطلاع داشتیم. بچه ی سوم به دنیا آمد. فکر می کنم دو سه ماهه بود که خبر هولناک رسید. ربابه هر سه بچه اش را در آب کانالی که زن های ده در آن لباس می شستند غرق کرده بود. مردم خشکشان زده بود. ربابه را زدند. له و لورده کردند. اما او انگار در این دنیا نبود. در بیمارستان روانی بستری شد. بارها و بارها و حالا من از سرنوشت او بی خبرم.

بعدها که روانشناسی خواندم با بیماری ربابه آشنا شدم. جنون پس از زایمان، Postpartum Psychosis. بیماری ای که تقریباً از هر هزار مادر یکی به آن مبتلا می شود. یک بیماری شدید روانی است و نیاز به مداخله فوری دارد. در بین بیماری هایی که به اختلالات خلقی پس از زایمان، Postpartum Mood Disorders، معروفند، این یکی شدیدترین و خوشبختانه نادرترین است. این جنون بعد از زایمان اتفاق می افتد و زن مبتلا دوره ای را طی می کند که در آن ارتباطش با واقعیت بسیار ضعیف است.

این بیماری در سرتاسر جهان گسترده است و زمینه های ارثی دارد. در زایمان های اول بیشتر اتفاق می افتد و اکثر زنان مبتلا حالات و مشکلات روانی در حین قاعدگی را دارند.

بسیاری از این بیماران به دلیل ترس از برچسب خوردن و فهمیده نشدن به پزشک مراجعه نمی کنند و در بسیاری از موارد اگر هم مراجعه کنند پزشکان برای آن ها بیماری خفیف تری مثل افسردگی پس از زایمان تشخیص می دهند که مانع درمان دقیق است. اگر تشخیص دقیق صورت گیرد، جواب به درمان خیلی خوب است و اکثراً بهبود می یابند اما موارد درمان شده ممکن است به فاجعه بینجامد. مثل داستان ربابه. ۵٪ نرخ خودکشی و ۴٪ نرخ بچه کشی. اگرچه در هر زمانی در سه ماه بعد از زایمان ممکن است علائم شروع شوند، ولی معمولاً شروع علائم در سه هفته ی اول بعد از زایمان است. علائم به صورت حاد و ناگهانی بروز می کنند و در طی ۳ تا ۱۴ روز منجر به جنون می شوند.

علائم و نشانه ها ی جنون پس از زایمان:

- توهم ها (که بیشتر شنیداری اند. مثل شنیدن صدای کسی که می گوید بچه هایت را بکش).
- هذیان ها (هذیان بزرگ منشی یا Grandiosity Delusion شایع است و نیز هذیان هایی که هسته ی مذهبی دارند. مثلاً اینکه تو در گناهدانی که بچه هایت بعداً می کنند مقصری).
- افکار غیر منطقی
- بی خوابی
- بی اشتها
- اضطراب و بی قراری
- دوره های شیدایی و سرخوشی
- افکار خودکشی و دیگرکشی
- پرحرفی، پرش افکار، بی پروایی و تماس اجتماعی زیاد
- خشونت و پرخاشگری

چه کسانی در معرض خطرند؟

زنانی که سابقه ی جنون ، اختلال دو قطبی یا اسکیزوفرنی دارند، زنانی که سابقه ی خانوادگی این بیماری ها را دارند و زنانی که سابقه ی همین بیماری را در زایمان های قبلی دارند ، خیلی احتمال ابتلایشان بیشتر است.

علل احتمالی:

هنوز علت دقیق این بیماری مشخص نیست، اما مطالعات مختلف نشان از موثر بودن بعضی از عوامل دارند. تغییرات هورمونی، فقدان حمایت عاطفی و اجتماعی، کاهش اعتماد به نفس در مورد ظاهر و هیکل بعد از حاملگی، احساس بی کفایتی در مورد مادر بودن، احساس تنهایی و رهاشدگی، مشکلات مالی و استرس های بزرگ مثل مهاجرت و تغییر شغل می توانند باعث برانگیختگی علائم شوند.

درمان:

این بیماری يك فوریت روانپزشکی است و نیازمند توجه فوری است. درمان عمدتاً بر درمان دارویی متمرکز است (داروهای ضد جنون، داروهای تثبیت کننده خلق و ضد اضطراب ها). گاهی اگر بیمار برای خودش یا دیگران خطرناك تشخیص داده شود، نیاز به بستری شدن دارد که باید کوتاه باشد تا خانواده و مراقبت از بچه مختل نشود. جلسات روان درمانی فردی و جلسات گروه درمانی حمایتی تأثیر خوبی بر روند درمان دارند. گاهی نیز به بیماران شوک الکتریکی می دهند که بسیار مؤثر است.

بسیاری از روانشناسان این بیماری را نمودی از بیماری اختلال خلقی دو قطبی Bipolar Mood Disorder می دانند، همان گونه که من فکر می کنم در مورد ربابه بود.